



گواه رنجوری

اشتباه و علی‌رغم تذکرات مکرر ناصحان تعداد زیادی از سرمایه‌های عظیم انسانی را به سمت گروه پزشکی جلب نمود و در حال حاضر، شاهد بی‌کاری و تورم پزشکان و گاهی صدور آنها! هستیم. این برآورد اشتباه، کار را بدانجا رسانده که پزشکان برای درآوردن خرج معیشت خود، به هر کاری دست می‌زنند. دوستی می‌گفت که کارت تبلیغ افتتاح یک مطب را دیدم و با خود اندیشیدم این پزشک فقط لوله‌کنشی انجام نمی‌دهد! به راستی آنان که با اصرار بر اشتباه خود، اوضاع را بدین جا رسانده‌اند را می‌توان چه نامید؟ همان گونه که مشاهده می‌کنید، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در بعد کمیت نمره قبولی نگرفته است. اما در بعد کیفیت چه؟

سؤال اساسی این است که اگر قرار بود به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در زمینه موفقیت در آموزش نمره‌ای داده شود، این نمره چند بود؟ و آیا می‌تواند نمره قبولی بگیرد یا خیر؟ گرچه عده‌ای اعتقاد دارند که وظایف متعدد محوله به این وزارتخانه می‌تواند دولتی را از پای درآورد و نباید از این وزارتخانه انتظار بیش از حدی در مورد آموزش داشت، باید اذعان کرد که وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری نیز در این

در این ماه دوره اول ریاست جمهوری جناب آقای خاتمی به پایان می‌رسد. یکی از ویژگی‌های عمده دولت ایشان، اصلاحات بود. از آنجایی که اصلاحات نیاز به نقد مداوم شرایط دارد. نگارنده معتقد است که در این شرایط، نقد عملکرد دولت می‌تواند راه‌گشای دوره دوم ریاست جمهوری جناب آقای خاتمی، خدمتی ارزنده به نظام جمهوری اسلامی و کمک شایانی به اصلاحات باشد. از سوی دیگر، فرصت موجود (فاصله زمانی تیر تا شهریور) تا زمان ترمیم کابینه، زمان مناسبی برای این بررسی‌ها به دست می‌دهد تا وزرا بتوانند با استفاده از این نقطه نظرات، تغییرات لازم را در سیاست‌های خود اعمال نمایند. بنابراین، با توجه به نکات مذکور، نظری بر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌اندازیم. همان گونه که از اسم مطول این وزارتخانه برمی‌آید، متولی بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است و نقد و بررسی تمام این زمینه‌ها، در این مقال نمی‌گنجد. از این رو به بحث مختصری در مورد آموزش پرداخته می‌شود.

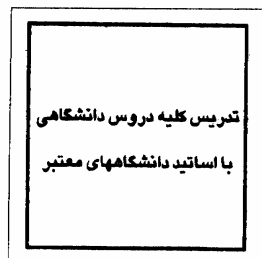
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از آغاز تشکیل خود یعنی سال ۱۳۶۵ تاکنون موفقیتی در زمینه آموزش پزشکی به دست نیاورده است. در ابتدای تشکیل که با برآوردهای

زمینه موفق نبوده است که این شکست، ناشی از نگرش سنتی به آموزش و یادگیری می‌باشد.

به راستی چرا ذهن دانشجویان ما با انبوهی از اطلاعات غیرضروری انباشته می‌شود و در امتحان‌ها بیشترین سوالات مربوط به موارد نادر بیماری‌های شایع یا موارد شایع بیماری‌های نادر است. چرا یک پزشک، یک داروساز و ... پس از یکی دو سال که از فارغ‌التحصیلی‌اش می‌گذرد، همه چیز را فراموش می‌کند؟ و نیاز دارد که از نو آنچه را لازم دارد بیاموزد؟

آنچه آموزش عالی را در حال حاضر به بحران کشیده، عدم وجود تعاریف و تحلیل‌های مناسب از وظایف شغلی فرد می‌باشد، در نظام آموزشی ما تحلیلی از وظایف یک پزشک، داروساز، دندان پزشک، پرستار و ... وجود ندارد. از آنجایی که تحلیل شفاف و مناسب وظایف شغلی یک فرد منجر به آن می‌شود که منابع مناسبی را برای آموزش وی معرفی کرد و در اختیار وی گذاشت، عدم وجود تحلیل مناسب نیز منجر به آشفتگی در منابع آموزشی می‌گردد که امروزه می‌توان در سطح جامعه شاهد آن بود. دانشجویان هنگامی که به امتحان‌هایی مانند بورد یا آزمون دستیاری می‌رسند، تلاش مفردی در شناخت طراحان سوالات و تهیه جزوه‌های آنان دارند تا این منابع استاندارد را بخوانند، زیرا به عین می‌توان دید که به جای خواندن کتاب ۵۰۰ صفحه‌ای معرفی شده از سوی وزارتخانه و دست آخر هم عدم توانایی در پاسخ سوالات، جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای فلان طراح سؤال را می‌خوانند و به راحتی به تمام سوالات پاسخ می‌گویند. درک مفهومی حاصل از کتاب‌های درسی را کنار می‌گذارند و مطالب آن جزوه را طوطی وار حفظ می‌کنند تا در امتحان قبول شوند.

امتحانی که حافظه وی را اندازه‌گیری می‌کند و نه عمق دانش وی را. در همین جا می‌توان نتیجه گرفت که تحلیل نامناسب و ظایف شغلی یک فرد منجر به ارزیابی نامناسب هم می‌شود. هیچ کس نمی‌تواند منکر این نکته باشد که برای محک زدن دانشجو و دریافت این که وی مهارت‌ها و واقعیت‌های لازم را فراگرفته یا نه باید ارزیابی گردد اما نه آزمون‌های رایج در نظام آموزشی ما. آزمون‌هایی که دانشجو را به همان موشی تشبیه می‌کنند که با موقعیت مسأله آفرینی رو به رو می‌شود و در آن مجبور است به هدفی مانند دست یابی به غذا برسد. برای این کار او باید پاسخ مناسبی را از میان چند پاسخ احتمالی برگزیند و ملاک‌ها عبارتند از: مدت زمان و تعداد خطاها. اشتباه عمده در خصوص این نظریه آن است که راه حل مسأله از طریق اندیشیدن و استدلال پیدا می‌شود. Thorndike که در این زمینه صاحب نظریه است اعتقاد دارد این راسخ شدن تدریجی پاسخ‌های پاداش یافته و زوال جواب‌های ناموفق مستلزم تبیینی است خودکارانه و «ماشین گرایانه» از نحوه تغییر عملکرد در فاصله نخستین کوشش‌های آموزشی تا کوشش‌های بعدی. در این یادگیری ماشینی هیچ گونه نیازی به وساطت هوش و فراست نیست و به این نتیجه می‌رسد که هیچ نوع نشانه‌ای از عملی که کوچکترین شباهت به استدلال باشد نیافته است. Thorndike در ادامه می‌گوید که نظریه حاصل نخواهد توانست هیچ یک از رفتارهای انسانی را برطبق قانون عادت تبیین کند و با تاکید بر تمرین، انواع بی حاصل و بیهوده‌ای از مشق و تکرار رواج خواهد یافت. انسان قبل از هرچیز یک مکانیسم تداعی است که سعی دارد از آنچه به فرآیندهای حیاتی



می‌توانید به یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار نگاه کنید). به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که با این کیفیت آموزش نیز، نظام آموزش عالی ما راهی به جز کلاپس و فروپاشی ندارد. در یک کلام، این نظام آموزشی نمی‌تواند خلاقیت‌ها را شکوفا کند و از توان بالقوه جوانان ایرانی سود ببرد. چرا جوانان ایرانی که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور می‌روند، بسیار موفق هستند، در حالی که ممکن است در داخل کشور از کارنامه درخشانی برخوردار نباشند؟ تنها پاسخ این سؤال، وجود یک سیستم آموزشی بهینه است. سیستم آموزشی که در آن براساس تحلیل وظایف شغلی یک فرد به وی آموزش داده می‌شود. منابع مناسب و استاندارد وجود دارد و ارزیابی براساس ارزیابی توانایی‌های فرد برای ارزیابی وظایف خود به صورت بهینه می‌باشد.

یکی از وظایف وزارت بهداشت در این دوره تغییر نظام آموزشی می‌باشد که یک ضرورت فوری و حتمی است که باید در دستور کار وزیر آتی بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گیرد و این مهم باید براساس تجربیات کشورهای دیگر و تحلیل مناسب از وظایف شغلی افراد تربیت شده صورت پذیرد.

دکتر مجتبی سرکندی

یاخته‌های عصبی وی لطمه می‌زند، بپرهیزد. اگر به جای تفکر به عبارات سست و تهی دل خوش گردد و اگر در برابر انعطاف‌پذیری و آفرینندگی شکل‌های بالاتری از یادگیری مات و مبهوت به تماشا ایستاده شود، در این صورت توانایی درک راز پیشرفت انسان یا کنترل جریان آموزش و پرورش وی وجود نخواهد داشت (Joncich G. The sane positivist. 7th ed. St Louis: Mosby; 1997: 22 - 24.)

چنانچه به اطراف نگریسته شود، این انواع بی‌حاصل و بیهوده از مشق و تکرار را در وجود کتابهای مغلوپ و پراز غلط تست در می‌یابیم. این کتاب‌ها در حال حاضر، یکی از پرفروشترین اقلام را به خود اختصاص می‌دهند که حاصل اصلی آنها تنها پرکردن جیب عده‌ای سودجو می‌باشد. گروهی دیگر از سودجویان نیز مشکل دوم (یعنی عدم وجود منابع مناسب) و این معضل را با هم حل کرده‌اند و کلاسهای کنکور برای آزمون‌های دستیاری به راه انداخته‌اند.

از سوی دیگر، لااقل در دوره کارشناسی ارشد و کارشناسی، دانشجویان بسیار خوبی هستند که توانایی‌های لازم و اطلاعات کافی خود را با ارایه و انجام پایان‌نامه‌ها و پروژه‌های بسیار عالی نشان می‌دهند و در دوره‌های بالاتر قبول نمی‌شوند.

در حال حاضر، در بعد کیفیت نیز کار بدانجا رسیده که دانشجو برای فراگیری درسهای خود به استاد خصوصی نیاز دارد (لطفاً به آگهی‌ای که از یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار بریده شده است نگاه کنید) و برای آزمون‌های کارشناسی ارشد و دستیاری هم به کلاس کنکور این آزمون‌ها بروید (به علت کمی جا از درج آگهی‌های این کلاس‌ها خودداری شد، خودتان